

ارزیابی تطبیقی روایات معصومان علیهم‌السلام با اقوال لغویان در مفردات آیات ۱۰۱ تا ۲۰۰ سوره آل عمران

چکیده: شناخت معنای لغوی واژه‌ها و فهم دقیق مفردات آیات قرآن، از مقدمات اصلی فهم قرآن و تفسیر آن بوده و به خاطر اهمیت این موضوع، از صدر اسلام تا به حال مکتوبات فراوانی در این مورد به رشته‌ی تحریر درآمده است.

اما می‌دانیم پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام اولین، بهترین و موثق‌ترین مفسران قرآن هستند و آنان گاهی به طور ویژه و گاهی هم به مناسبت‌های مختلف در مورد مفردات قرآن صحبت کرده‌اند، لذا مراجعه به منابع روایی‌ای که در توضیح و تفسیر مفردات آیات قرآن، احادیث را گردآوری کرده‌اند، می‌تواند در فهم معنای آیات بسیار کارگشا بوده و روشن‌کننده تفسیر آیات باشد.

در این مقاله، واژه‌های «عصمت» و «تقوا» به عنوان مثال ذکر شده و برای بقیه‌ی مفردات سوره، خلاصه‌ی مقاله آورده شده و در انتهای گفتار هم خلاصه‌ی بررسی تمامی واژگان مهم سوره، در جدولی درج گردیده است.

کلید واژه‌ها: روایات، مفردات، ظاهر لغت، مصداق، اشتقاق.

دکتر غلامحسین اعرابی

دانشیار دانشکده الهیات

دانشگاه قم

golamhosein.Arabi@gmail.com

محمدصادق پیشوایی

(نویسنده مسئول)

دانش‌آموخته‌ی کارشناس ارشد

علوم قرآن و حدیث

دانشگاه قم

mohsadbish@gmail.com

پیشینه‌ی مقاله

دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۷

پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۲

ارزیابی تطبیقی روایات معصومان علیهم السلام

با اقوال لغویان در مفردات آیات

تا ۲۰۰ سوره آل عمران ۱۰۱



۱. مقدمه

آشنایی با دانش مفردات و دانستن معنای صحیح از مفردات آیات قرآن، یکی از مقدمات مهم برای فهم قرآن می‌باشد.

لذا قرآن پژوهان همواره با مراجعه به کتاب‌های لغت و نیز کتاب‌های ویژه در زمینه‌ی مفردات قرآن، تلاش کرده‌اند تا به معنای آیات قرآن دسترسی پیدا کنند، اما بسیار واضح است که اگر قرآن پژوهان فقط به آرای لغویان توجه کرده و از روایات معصومان علیهم‌السلام در این موضوع غافل شوند، در بسیاری از موارد ممکن است به فهم صحیحی از آیات قرآن نرسند. نتیجه آن که مراجعه به روایات صادرشده از ناحیه معصومان علیهم‌السلام در کنار آرای لغویان، از مقدمات مهم، برای فهم آیات و در نتیجه تفسیر قرآن می‌باشد.

۲. بیان مسأله

به تصریح خود قرآن، این کتاب به زبان عربی فصیح و روشن نازل شده است، به گونه‌ای که مخاطبان اولیه قرآن یعنی اعراب صدر اسلام، زبان آن را می‌شناختند و ظواهر کلمات و مفردات آن را درک می‌کردند. آنان بر اساس اصل حجیت ظواهر قرآنی به فهم ساده خود از آیات قرآن اعتماد داشتند و البته ریزبینی‌ها و موشکافی‌های دقیق هم در برخی موارد توسط صحابه‌ی قرآن‌دان انجام می‌گردید که به کشف دقیق‌تر ظواهر قرآن منجر می‌شد.

به تدریج در طول تاریخ اسلام، علمای ادب و لغت عرب در جهت خدمت به قرآن و درک بهتر مفاهیم قرآن توسط عموم مردم، شروع به تدوین لغت‌نامه‌های عربی و نیز لغت‌نامه‌های قرآنی نمودند و به مرور زمان این کار وسعت گرفت.

اما می‌دانیم که به قول کلام معروف «اهل البیت ادری بما فی البیت» (مجلسی محمد باقر، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰، ص ۳۱۱) و «انما یعرف القرآن من خوطب به» (شیخ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۳۱۱)، مخاطبان اصلی قرآن اهل بیت پیامبر ﷺ هستند و آنان هستند که قرآن در خانه‌ی آنان نازل شده و اهل خانه به آن چه در خانه هست از بقیه آگاه‌ترند!

در حدیث بسیار معروف از امیرالمومنین علی علیه السلام می‌خوانیم که ایشان فرمودند: به خدا قسم! من در تمام مواقع نزول قرآن همراه پیامبر ﷺ بودم و می‌دانم که هر آیه‌ای در چه موردی، در چه مکانی، در مورد چه کسی نازل شد، در روز نازل شد یا در شب، در کوه نازل شد یا در دشت! (سلیم ابن قیس هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۸۰۲). این‌گونه احادیث و حقایق تاریخی در صدر اسلام بیان‌گر آنست که بهترین معلم و مفسر قرآن همان معصومان علیهم السلام هستند که هر گاه مردم عادی یا صحابه‌ی گران قدر از آنان در مورد معنای آیه‌ای سؤال می‌کردند؛ ایشان با کمال تواضع و در حد فهم مخاطبان، معنای آیات قرآن را توضیح می‌دادند.

خلاصه این‌که معلمان اصلی قرآن معصومان علیهم السلام بودند و خداوند سبحان علم کامل به معانی و حقایق قرآن را در اختیار آنان قرار داده بود. لذا آنها گاهی در پاسخ به سؤال مردم و گاهی هم به صورت مستقل به بیان معانی مفردات و تفسیر آیات قرآن می‌پرداختند.

۳. فرضیه‌ها

فرضیه‌ی اول: به نظر می‌رسد محتوای روایات صادر شده از ناحیه معصومان علیهم السلام ناظر به همان معنای لغوی و عرفی مفردات می‌باشد که با دیدگاه لغویان تطابق دارد.

فرضیه‌ی دوم: برخی از روایات از لحاظ مفهومی، با اقوال لغویان مطابقتی ندارند و ناظر به معنای تأویلی و یا مصداقی و یا باطنی مفردات قرآن می‌باشد.

فرضیه‌ی سوم: به نظر می‌رسد که لغویان در تبیین مفردات، بیشتر به لهجه‌ی قوم عرب، واژگان معرب، اشتقاق لغت و سایر علوم لغت توجه نموده‌اند، ولی اهل بیت علیهم السلام غالباً از این حد گذر کرده‌اند و با توجه به ظرفیت اشخاص و نیاز

و سؤالی که مردم در خود احساس می‌کردند، به تبیین مراد خداوند متعال از واژگان قرآن، با عبور از معنای ظاهری آنها پرداخته‌اند.

۴. پیشنهادی پژوهش

با توجه به نقش انکار ناپذیر مفردات در فهم قرآن کریم، از گذشته تا کنون، قرآن‌پژوهان علاوه بر استفاده از فرهنگ‌ها و کتاب‌های لغت عربی، به طور ویژه‌ای در زمینه‌ی مفردات قرآن، کتاب‌های لغوی متعدد را در سطوح مختلف، به رشته‌ی تحریر در آورده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- کتاب العین، خلیل ابن احمد فراهیدی

۲- مفردات الفاظ قرآن، حسین ابن احمد راغب اصفهانی

۳- التحقیق فی کلمات القرآن، حسن مصطفوی

روایات معصومان علیهم السلام در زمینه‌ی مفردات آیات نیز که به صورت پراکنده در کتاب‌های روایی مختلف و نیز در تفاسیر روایی در ذیل هر آیه مطرح شده‌اند، راهنمای خوبی برای قرآن‌پژوهان است، اما تحقیقی به شکل این مقاله که روایات مربوط به مفردات آیات را با اقوال لغویان مقایسه کرده باشد، تا کنون صورت نگرفته است و بدین لحاظ، این سبک پژوهش، کاملاً نوین است.

۵. اهمیت و ضرورت

امروزه برای هر قرآن‌پژوهی، آگاهی از معنای صحیح و دقیق مفردات قرآن، یکی از ضروریات است، چراکه مفردات پرده‌ی ابهام را از چهره‌ی آیه برداشته و از کنارهم قرار دادن آنها، معنا و مفهوم آیات روشن می‌شود.

بنابراین مراجعه به آرای لغویان، در کنار روایات معصومان علیهم السلام، یکی از مقدمات ضروری برای پویندگان دانش‌های قرآنی است. اما اگر این دو در کنار هم قرار گیرند، کار فهم آیات آسان‌تر و کامل‌تر شده و مفسران برای بیان معانی آیات،

سریع‌تر و با اطمینان بیشتر عمل می‌نمایند.

۶. بررسی واژگان نمونه

بررسی واژه‌ی «يَعْتَصِم» در آیه‌ی [آل عمران، ۱۰۱] به عنوان نمونه اول:

﴿وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾

ترجمه: و چگونه ممکن است شما کافر شوید، با اینکه (در دامان وحی قرار گرفته‌اید، و) آیات خدا بر شما خوانده می‌شود، و پیامبر او در میان شماست؟! (بنابراین، به خدا تمسک جوید!) و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است.

۱.۶. بررسی منابع لغت

۱- العین (خلیل ابن احمد فراهیدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۳):

العِصْمَةُ: أَنْ يَعْصِمَكَ اللَّهُ مِنَ الشَّرِّ، أَي: يَدْفَعُ عَنكَ. وَاعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ، أَي: امْتَنَعْتُ بِهِ مِنَ الشَّرِّ. وَاسْتَعْصَمْتُ، أَي: أَيْت. وَأَعْصَمْتُ، أَي: لَجَأْتُ إِلَىٰ شَيْءٍ اعْتَصَمْتُ بِهِ

العصمة: یعنی اینکه خداوند تو را از شر حفظ کند یا اینکه شر را از تو دفع کند.

إِعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ: أَي: امْتَنَعْتُ بِهِ مِنَ الشَّرِّ (یعنی با عنایت خدا خود را از شر حفظ کردم)

أَعْصَمْتُ: یعنی اینکه به چیزی پناه بردم.

۲- تهذیب اللغة (محمد بن احمد ازهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴):

العصمة في كلام العرب: المنع (معنای اصلی عصمت، منع کردن است)

إِسْتَعَصَمَ: إِذَا امْتَنَعَ وَأَبَى (وقتی امتناع و خود داری کرد).

۳- معجم مقاییس اللغة (محمد بن احمد زهری، بی تا، ج ۲، ص ۳۴):

عَصَمَهُ الطَّعَامُ: مَنَعَهُ مِنَ الْجُوعِ يَعْنِي أَوْ رَأَى كَرْسَنِي حَفْظَ كَرْد.

۴- ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن (حسین ابن محمد راغب اصفهانی، ترجمه‌ی غلامرضا خسروی حسینی،

۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۶۰۸):

اعْتَصَمَ: تَمَسَّكَ وَ دَسْتُ أَوْ يَزِجُ شَيْئًا اسْت، در آیات زیر:

﴿وَأَعْتَصَمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾ (آل عمران، ۱۰۳)، ﴿وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران، ۱۰۱)

استعصام: استمساک، گویی که چیزی را طلب می‌کند که او را از گناه ورزیدن حفظ کند. گفت: ﴿فَأَسْتَعَصِمَ﴾ (یوسف،

۳۲) چیزی را خواست و به چیزی پناه برد که او را از گناه حفظ کند و در آیه‌ی: ﴿وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكَوَافِرِ﴾ (ممتحنه، ۱) عصام: دسته کوزه و ظرف که با دست گرفته شود.

عصمة الأنبياء: حفظ کردن خدای، انبیا را به صورت‌های زیر:

اول: عصمت انبیاء به آنچه را که از جهت صفا و پاکی گوهر مخصوصشان گردانیده است.

دوم: به فضائل جسمی و نفسانی.

سوم: به نصرت و پیروزی و ثبات قدمشان.

چهارم: به وارد کردن آرامش بر آنها و حفظ دل‌هایشان از دغدغه و عدم سکینه.

پنجم: به توفیقی که تأییدشان نموده و شایسته‌شان داشته، خدای تعالی گوید:

﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ (المائدة، ۶۷) یعنی: خدای تو را از گزند مردم حفظ می‌کند و در امان می‌دارد. عِصْمَةٌ: چیزی است شبیه دستیاره و دستبند.

مِعْصَمٌ: میچ دست و جای دستیاره و سپیدی میچ دست و سرشانه ستور که تشبیهی است به دستبند سیمین و نقره‌گون اعتصام: چنگ زدن به چیزی، اِسْتَعَصَمَ: کاری کرد که محفوظ بماند گویا در طلب راهی بود تا خود را از گرفتار شدن در گناه حفظ نماید، ﴿فَاسْتَعَصِمَ﴾ (یوسف، ۳۲) دنبال راه نجات و خلاصی از گناه بود. در آیه‌ی ﴿وَلَا تَمْسُكُوا بِعَصَمِ الْكُوفِرِ﴾ (الممتحنه، ۱۰)، عصام یعنی: دستگیره.

اصطلاح «عصمة الانبياء» یعنی حفاظت کردن از انبیاء توسط خداوند، که صفای باطنی در وجود این عزیزان قرار داده، سپس خصوصیات و فضائل جسمی ویژه‌ای به این بزرگان عنایت کرده و آنها را تأیید فرموده و در راه حفظ و پاکدامنی، انبیاء را ثابت قدم و موفق گردانیده و آرامش خاصی را بر آنان وارد کرده و قلوبشان را از هر ناپاکی مصون فرموده است. خداوند سبحان فرمود: ﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ (المائدة، ۶۷) البته عصمه معنای گردن بند هم دارد.

۵- لسان العرب (ابن منظور، بی تا، ج ۱۲، ص ۴۰۳):

عَصَمَ اللَّهُ عَبْدَهُ: یعنی اینکه خداوند بنده‌اش را از گناه حفظ کرد.

عَصَمَهُ، يَعِصِمُهُ عَصِماً: مَنَعَهُ وَوَقَاهُ

۶- تاج العروس من جواهر القاموس (زبیدی، بی تا، ج ۱۷، ص ۴۸۲):

عَصَمْتُ اللَّهُ عَبْدَهُ: أَنْ يَعِصِمَهُ مِمَّا يُؤْبِقُهُ

۷- مجمع البحرين (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۵، ص ۳۴۷):

از امام سجاد علیه السلام سؤال کردند که معنای معصوم چیست؟ فرمودند: کسی که به ریسمان الهی چنگ انداخته و ریسمان الهی همان قرآن است، و این دو، تا روز قیامت از هم جدا نمی شوند و امام به قرآن هدایت می ند و قرآن هم به امام هدایت می کند و این معنای قول خداوند ﷻ است که می فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾ (الإسراء، ۹).

۸- نتیجه‌ی بحث لغوی: لغویان معانی مختلفی برای عصمت ذکر کرده‌اند مثل: منع و امتناع، حفظ کردن، گردن بند، اتصال به ریسمان الهی و مصونیت.

۲.۶. تفاسیر روایی

۱- البرهان فی تفسیر القرآن (بحرانی سید هاشم، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۶۶۷):

هشام ابن حکم از امام صادق علیه السلام سؤال می کند از معنای این حدیث «إِنَّ الْإِمَامَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا»، امام علیه السلام پاسخ می دهند که: معصوم کسی است که به وسیله‌ی خداوند از تمامی محارم الهی محفوظ شده (المعصوم هو الممتنع بالله من جمیع محارم الله) و سپس فرمودند: ﴿وَمَنْ يَعْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (آل عمران، ۱۰۱)

۲- تفسیر الصافی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۶۴):

از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه‌ی (آل عمران، ۱۰۱) سؤال شد و ایشان فرمودند: «معصوم کسی است که اطاعت می کند بدون عصیان، و همیشه بیاد خداست، بدون فراموشی، و شاکر است بدون کفران».

۳- تفسیر نور الثقلین (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۶):

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: أيما عبد أقبل قبل ما يحب الله ﷻ أقبل الله قبل ما يحب و من اعتصم بالله عصمه الله، و من أقبل الله قبله و عصمه لم يبال لو سقطت السماء على الأرض، لو كانت نازلة نزلت على أهل الأرض فشملتهم بليّة كان في حزب الله بالتقوا من كل بليّة، أليس الله ﷻ يقول: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ﴾.

في كتاب الخصال عن أبي عبد الله عليه السلام انه قال: «قال إبليس: خمسة أشياء ليس لي فيهن حيلة و سائر الناس في قبضتي، ... و من اعتصم بالله عن نية صادقة و اتكل عليه في جميع أموره»

در کتاب خصال شیخ صدوق هم آمده از قول امام صادق عليه السلام که فرمودند: «ابلیس گفت: پنج چیز است که حیلۀ من به آنها کارگر نیست و بقیه‌ی مردم در دست من هستند... و کسی که از روی نیت صادق به خداوند پناه ببرد و در تمام امورش به خداوند تکیه کند».

هم‌چنین در این تفسیر، ج ۱، ص ۳۷۸ حدیثی به نقل از معانی الاخبار مرحوم شیخ صدوق آورده که امام موسی ابن جعفر عليه السلام از پدرش امام صادق عليه السلام و ایشان از پدرش امام باقر عليه السلام و او هم از پدرش امام سجاد عليه السلام که فرمودند: امام از خاندان ما نیست مگر آنکه معصوم باشد و عصمت طوری نیست که در ظاهر و خلقت (صورت بدنی و ظاهری شخص) معلوم باشد تا بدان وسیله شناخته شود و به همین دلیل بایستی نص بر آن وجود داشته باشد.

بعد از ایشان (امام سجاد عليه السلام) سؤال کردند که: ای فرزند رسول خدا؛ معنای معصوم چیست؟

ایشان فرمودند: معصوم کسی است که به ریسمان الهی متصل است، و ریسمان الهی قرآن است و این دو یعنی امام و قرآن از هم جدا نمی‌شوند تا روز قیامت؛ و امام کسی است که به طرف قرآن هدایت و دعوت می‌کند و قرآن هم دعوت به امام و هدایت به آن می‌کند و این قول خدای متعال است که فرمود: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»، پس منظور از عبارت «هی اقوم» همان امامان معصوم عليهم السلام هستند.

۴- زبدة التفاسیر (ملا فتح‌الله کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۳۲):

و من يعتصم بالله: و من یتمسک بدین الله او یتلجأ فی مجامع اموره، یعنی اینکه اعتصام به خداوند را این‌گونه معنا کرده است که: هر کس که به دین خدا چنگ بزند یا اینکه در تمام کارهایش به خداوند پناه ببرد.

۵- الدر النظیم (یوسف ابن حاتم الشامی، ص ۲۴۸):

قال علی علیه السلام: ... و یقتضی العقل أن ینص من هذا النص منه صلی الله علیه و آله علی معصومٍ لآن الله عزوجل عصم رسوله من الزیغ و الزلل و الخطأ فی القول و العمل، و نزهه عن أن ینص بالهوی و یمیل إلى الدنيا

یعنی: امام علی علیه السلام فرمودند: ... و عقل اقتضا می کند که این نص از پیامبر صلی الله علیه و آله بر معصوم تطبیق پیدا کند، برای آنکه خداوند صلی الله علیه و آله رسولش را از گناه و لغزش و خطا در سخن و عمل حفظ کرده و او را از اینکه بر اساس هوای نفس حکم کند یا تمایل به دنیا پیدا کند، منزّه و مبزّا کرده است. طبق این حدیث شریف امیر المؤمنین علی علیه السلام معصوم را به شکل کاملی تعریف کرده اند:

معصوم یعنی کسی که مصون از گناه و لغزش و خطا در قول و فعل، و نیز بری از حکم دادن بر اساس هوای نفس و تمایل به دنیا باشد.

۷. نتیجه‌ی بحث لغوی و تفسیری واژه عصمت

معنایی که لغویان از واژه‌ی اعتصام و عصمت کرده‌اند با معنایی که از زبان گهربار امامان معصوم علیهم السلام صادر شده، یکسان است گرچه در اصل، لغت عصمت به معنی منع و جلوگیری است، اما در کاربردهای آن وقتی به صورت حقیقت شرعی مطرح می شود همان معنایی را خواهد گرفت که معصومان علیهم السلام فرموده‌اند و در یک جمله خلاصه شده: «المعصوم هو الممتنع بالله من جمیع محارم الله»

بنابراین تناسب بین معنای لغوی و معنای روایی (معنایی که از طریق روایت بدست می آید) وجود دارد، زیرا در لغت منع آمده و در عصمت هم نوعی منع و امتناع از گناه وجود دارد.

ابعاد تقوا طبق آیات قرآن:

۱- تقوای مالی:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (البقره، ۲۷۸).

﴿... وَ لِيَتَّقِ اللَّهُ رَبَّهُ وَ لَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا...﴾ (همان، ۲۸۲).

۲- تقوای عاطفی:

﴿وَ لِيُخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ صِغَةً خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لِيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (النساء، ۹).

۳- تقوای سیاسی:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (الأحزاب، ۱).

۴- تقوای خانوادگی:

﴿وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ...﴾ (الأحزاب، ۳۷).

۵- تقوای اجتماعی:

﴿... وَ اتُّواُ الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (البقره، ۱۸۹).

۶- تقوای عملی:

﴿... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَخْزُونِ فِي صَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ﴾ (هود، ۷۸).

بررسی واژه‌ی «اتقوا» در آیه‌ی (آل عمران، ۱۰۲)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید! (باید گوهر ایمان را تا پایان عمر، حفظ کنید) .

الف) منابع لغوی:

۱- مجمع البحرین (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۴۵۱):

و التقوا في الكتاب العزيز جاءت لِمَعَانٍ: الخشية و الهيبة و منه قوله تعالى: وَ إِيَّاي فَاتَّقُونِ (البقره، ۴۱). و الطاعة و العبادة و منه قوله تعالى: ﴿ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ ﴾ (آل عمران، ۱۰۲). و تنزيه القلوب عن الذنوب، و هذه - كما قيل - هي الحقيقة في التقوا دون الأولين، قال تعالى: ﴿ وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشِ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴾ (نور، ۵۲) یعنی: تقوای در قرآن به چند معنا آمده: خشیت و هیبت مثل ﴿ و إِيَّاي فَاتَّقُونِ ﴾ [۲، ۴۱] و نیز طاعت و عبادت مثل ﴿ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ ﴾ [۳، ۱۰۲] و در معنای پاک کردن قلب از گناه هم به کار رفته که در واقع حقیقت تقوا همان است.

وقایه: حفظ کردن و نگاه داشتن مثل: اللهم اجعله وقايةً لمحمد صلى الله عليه وآله: ای حفظاً له
إِتْقَاءُ (الصید): نکشتن صید

۲- العین (فراهیدی، بی تا، ج ۵، ص ۲۳۸):

و كل ما وقى شيئاً فهو وقاءٌ له و وقايةٌ
رجلٌ تقى: رجلٌ وقى، تقوا در اصل وقوی بوده است.

۳- تهذیب اللغه (ازهری، بی تا، ج ۹، ص ۲۷۸):

﴿ لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ﴾ (الرعد، ۳۴) واقٍ: ای من دافع

وقایه = دفع کردن

۴- لسان العرب (ابن منظور، بی تا، ج ۱۵، ص ۴۰۳):

... فی الحدیث «إِثْمًا الْإِمَامُ جَنَّهُ يُؤْتَقَى بِهِ وَيُقَاتِلُ مِنْ وِرَائِهِ» یعنی: این‌که امام کسی است که به وسیله‌ی او دشمن دفع می‌گردد و مردم پشت سر او می‌جنگند.

پس در اینجا هم وقی = دَفَعَ

۵- فرهنگ ابجدی (فؤاد افرام بستانی، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۹۹۲):

وقی - وقایه‌ی و وقیآو واقیه‌ی [وقی] فلاناً: فلانی را از رنج و ناملایمات حفظ کرد، بنابراین وقایه نگه داشتن از هر گونه بدی را می‌گویند.

۶- قاموس قرآن (علی اکبر قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۷، ص ۲۳۶):

وقی، وقایه و وقاء: حفظ شیء است از آنچه اذیت و ضرر می‌رساند.

تقوا: اسم است از اتقاء و هر دو به معنای خود نگه داشتن و پرهیز کردن است. علامه راغب می‌گوید: تقوا آن است که خود را از شیء مخوف در حفظ قرار دهیم، این حقیقت تقوا است، سپس خوف را تقوا و تقوا را خوف گویند. تقوا در اصل وقوی بوده است که واو به تاء تبدیل شده است.

واقی: مصون دارنده و محفوظ دارنده ﴿فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَّاقٍ﴾ (غافر، ۲۱): یعنی این‌که خداوند آنان را به سبب گناهانشان به عذاب گرفت و کسی نبود که از عذاب خداوند محفوظشان دارد.

۸. نتیجه بحث لغوی

معنای لغوی وقایه و تقوا، حفظ کردن و نگاه داشتن از هر نوع بدی و دفع کردن دشمن است.

(ب) بررسی منابع روایی

۱- البرهان فی تفسیر القرآن (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۶۶۷):

ابن بابویه، قال: حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید، قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن محمد، عن أبيه، عن النضر، عن أبي الحسين، عن أبي بصير قال: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى - اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ: يُطَاعُ وَلَا يُعْصَى وَ يُذَكَّرُ وَلَا يُنْسَى وَ يُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ.

یعنی: ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم در مورد معنای این عبارت در قرآن «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» ایشان فرمودند: «حق تقاته» آن است که فرمان خداوند اطاعت شود بدون عصیان، پیوسته خدا در یاد باشد بدون فراموشی، و از خدا بدون کفران سپاسگزاری شود.

هم‌چنین ابن شهر آشوب از تفسیر وکیع نقل کرده که عبد خیر از علی ابن ابی طالب علیه السلام در مورد آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» سؤال کردم و ایشان پاسخ دادند: «به خداوند قسم که به غیر از ما اهل بیت علیهم السلام هیچ‌کس به آن عمل نکرد، چرا که ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله خدا را یاد می‌کنیم بدون فراموشی و او را سپاسگزاریم بدون کفران و خدا را اطاعت می‌کنیم بدون عصیان» و هنگامی که این آیه نازل شد بعضی از اصحاب به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتند که ما نمی‌توانیم این‌گونه تقوایی داشته باشیم، لذا بعد این آیه نازل شد: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (تغابن، ۱۶)

۲- تفسیر صافی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۶۴):

عیاشی از امام صادق علیه السلام از آیه‌ی فوق در مورد «حَقُّ تَقَاتِهِ» سؤال می‌کند و ایشان هم جواب می‌دهند: «يُطَاعُ وَلَا يُعْصَى وَ يُذَكَّرُ وَلَا يُنْسَى وَ يُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ»

۳- تفسیر نور الثقلین (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۷۶):

در مورد «حَقُّ تَقَاتِهِ» علامه طبرسی صاحب مجمع‌البیان وجه دیگری هم بیان کرده است که عبارت است از: مجاهدت در راه خداوند و این‌که از سرزنش هیچ ملامتگری نترسد و در موقع ترس و امنیت قیام به قسط کند و این

معنای حق تقوا است.

۴- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۹):

﴿اتَّقُوا اللَّهَ﴾ یعنی: این‌که از خداوند پروا کنید و بترسید و به اطاعت و بندگی او مشغول باشید و از گناهان پرهیز کنید
یعنی: تقوا = ترس از خدا + اطاعت خدا + دوری از گناه و این سه مورد، ارکان اصلی تقوا هستند.

۵- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۳، ص ۱۸۳):

حق تقوا: طلب کردن توفیق وسیع از خدا برای انجام واجبات و ترک محرمات.

۶- غررالحکم (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۶۸):

قال علی علیه السلام: «التقوا اجتناباً» یعنی: تقوا همان پرهیز است.

قال علی علیه السلام: «التقوا أَنْ يَتَّقِيَ الْمَرْءُ كُلَّ مَا يُؤْتِمُهُ» یعنی: تقوا آن است که انسان از هر گناهی، پرهیز نماید.

قال علی علیه السلام: «الْمُتَّقِي مَنِ اتَّقَى مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمُتَنَزِّهِ مَنْ تَنَزَّهَ عَنِ الْعُيُوبِ» یعنی: پرهیزکار کسی است که از گناهان دوری کند و کسی است که خودش را از عیوب مبز و پیراسته نماید.

قال علی علیه السلام: «رَأْسُ التَّقْوَا تَرْكُ الشَّهْوَةِ» (همان، ص ۳۷۷) یعنی: سر تقوا، ترک امیال نفسانی است.

قال علی علیه السلام: «مَنْ مَلَكَ شَهْوَتَهُ كَانَ تَقِيًّا» (همان، ص ۶۰۷). یعنی: هرکس که بر هوس‌های خودش مسلط باشد، پرهیزکار است.

قال علی علیه السلام: «إِنَّ تَقْوَا اللَّهَ عِمَارَةَ الدِّينِ وَ عِمَادَ الْمُتَّقِينَ وَ إِنِّهَا لِمِفْتَاحُ الصَّلَاحِ وَ مِصْبَاحُ التَّجَاحِ». (همان، ص ۳۲۲)

یعنی: بدرستی که تقوای الهی همان آباد کردن دین و ستون متقین است و آن کلید درستی و چراغ نجات است.

۷- مصباح الشریعه (منسوب به امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۳۸، باب ۱۷):

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: «التقوى على ثلاثة أوجه تقوى بالله وَ هُوَ تَرْكُ الْخِلَافِ فَضْلاً عَنِ الشُّبْهَةِ وَ هُوَ تقوى خَاصِّ الْخَاصِّ وَ تقوى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَ هُوَ تَرْكُ الشُّبْهَاتِ فَضْلاً عَنِ الْحَرَامِ وَ هُوَ تقوى الْخَاصِّ وَ تقوى مِنْ خَوْفِ النَّارِ وَ الْعِقَابِ وَ هُوَ تَرْكُ الْحَرَامِ وَ هُوَ تقوى الْعَامِ». یعنی: امام صادق عليه السلام فرمودند: تقوا ۳ وجه دارد:

- ۱- تقوای خاص خاص که عبارت است از ترک خلافی که شبهه در آن است.
- ۲- تقوای خاص که عبارت است از ترک شبهاتی که احتمال حرام بودن دارد.
- ۳- تقوای عام که عبارت است از ترک حرام به خاطر ترس از آتش (جهنم) و مجازات.
- ۸- روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۱۱۱):

«... علی عليه السلام قال: ... و لقد كان حبيبي رسول الله صلى الله عليه وآله كثيراً ما يقول لي: حُبُّكَ تقوا و ايمانٌ و بغضُكَ كفرٌ و نفاقٌ و أنا بيتُ الحكمه و انت مفتاحُهُ و كذبٌ من زعمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي و يُبْغِضُكَ» در این حدیث، دوست داشتن علی عليه السلام مساوی با تقوا و ایمان معرفی شده است و دشمنی با او معادل کفر و نفاق.

۹. نتیجه‌ی کلی بررسی واژه‌ی تقوا

در روایات رسیده از ناحیه معصومان علیهم السلام تعاریف و تعابیر مختلفی از تقوا شده است، اما همه‌ی آنها به همان اصل حفظ و نگه‌داری از هر بدی بر می‌گردد. گرچه در بعضی موارد هم مثل حبّ امام علی عليه السلام، یکی از مصادیق تقوا تعیین شده و یا اینکه انواع تقوا، تبیین شده و یا ارکان تقوا بیان گردیده است.

خلاصه بررسی سایر مفردات سوره آل عمران (آیات ۱۰۱ تا آخر سوره):

به طور خلاصه از بررسی ۳۰ واژه‌ی مهم در آیات ۱۰۱ تا ۲۰۰ سوره‌ی آل عمران، می‌توان نتایج زیر را بدست آورد:

۱- در بسیاری از موارد معانی لغوی بیان شده توسط علمای لغت با معانی به‌کار رفته در روایات معصومان علیهم السلام منطبق

است مانند: بطانه، صِرّ، قرح و.. (جدول کلی نتایج و مثال‌ها در آخرین بخش آمده است).

۲- در بعضی از موارد اختلاف از این جهت است که معصومان: معنای مصداقی از یک واژه کرده‌اند مثل ابرار، نفاق و ...

۳- در بسیاری از موارد که اختلاف بین معانی لغوی و معنای روایی وجود دارد بدین دلیل است که مراد معصومان علیهم‌السلام یکی از چند معنای لغوی بوده است (معانی لغوی گسترده‌تر از معانی روایی) مثل ربا، غرور، مفازة و

۴- در بعضی از موارد هم دیده می‌شود که مصادیق ذکر شده توسط معصومان علیهم‌السلام خیلی گسترده‌تر از معنا یا معانی لغوی واژه می‌باشد مثل: حبل الله، فاحشة و

جدول ۱.۵. جدول خلاصه نتایج بررسی مفردات سوره آل عمران - آیات ۱۰۱ تا ۲۰۰

نام گروه	شاخص گروه	واژگان گروه	توضیحات تکمیلی
یک	انطباق معنای لغوی و روایی	تَبَيُّضٌ - تَسْوَدٌ - بَطَانَةٌ - صِرٌّ - قَرْحٌ - فُظٌّ - غُلُوٌّ - غَيْبٌ (۱) - طَوْقٌ - ظَلَمٌ (۲)	(۱) به امام غائب <small>عجل الله تعالی فرجه</small> نیز تفسیر شده که تعریف مصداقی است.
دو	تعریف و بیان مصداقی توسط معصومان <small>علیهم‌السلام</small>	خَيْرَ أُمَّةٍ - مَسْؤِمِينَ - أَمَنَةٌ تُعَاسَى - نِفَاقٌ - أُولَى الْأَلْبَابِ (۳) - ابرار	(۳) البته در بیشتر موارد معنای لغوی اولی الالباب با معنای روایی آن منطبق است.
سه	معنای لغوی گسترده‌تر از معنای روایی	رَبَا (۴) - رِبِّيُونٌ - تَحْسُونَهُمْ - مَضَاجِعِهِمْ - فَقِيرٌ - قَرْبَانٌ - زَبُورٌ - غُرُورٌ - مَفَازَةٌ (۵) - مَفَازَةٌ فِي الْقُرْآنِ بِمَعْنَى نَجَاتٍ وَمَحَلِّ نَجَاتٍ وَ فِي رَوَايَاتٍ أَغْلَبَ بِهَا مَعْنَى بِيَابَانٍ بِهَا كَمَا رَفَعَهُ اسْت.	(۴) ربا در روایات همان معنای قرآنی واژه را دارد و یک حقیقت شرعی است.
چهار	معنای روایی گسترده‌تر از معنای لغوی	تَقْوَا - حَبْلُ اللَّهِ - فَاحِشَةٌ	

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: دار القلم، چاپ اول، بی تا.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، بی تا.
۴. ازهری، ابی منصور محمد بن احمد، معجم تهذیب اللغة، محقق ریاض زکی قاسم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
۵. افراهم بستانی، فؤاد، فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۶. امام صادق علیه السلام (منتسب به ایشان)، جعفر بن محمد، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، بیروت: اعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
۷. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق: مصحح سید مهدی رجائی، قم: دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۸. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، محقق و مصحح صفوان عدنان داودی، بیروت: دار القلم، چاپ اول، بی تا.
۱۰. زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، مصحح علی شیری، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، بی تا.
۱۱. صدوق، محمد بن علی، گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، مترجم: محمد حسین صفاخواه، تهران: فیض کاشانی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، مترجمان علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران: نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، مترجمان برادران غفاری و صدر بلاغی، تهران: نشر صدوق، چاپ

اول، ۱۳۶۷ ش.

۱۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، مصحح احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۱۶. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. فراهیدی، خلیل ابن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، بی تا.
۱۸. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، محقق حسین اعلمی، تهران: انتشارات صدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۱۹. قمی مشهدی، محمد، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محقق: حسین درگاهی، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
۲۰. کاشانی، ملافتح الله، زبدة التفاسیر، تحقیق بنیاد معارف اسلامی، قم: بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
۲۱. کلینی، محمد ابن یعقوب، الکافی، مصحح: دار الحدیث، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.
۲۲. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ششم، ۱۳۷۱ ش.
۲۳. هلالی، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد علیهم السلام، مترجم: اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم: نشر الهادی، اول، ۱۴۱۶ ق.